

شهيد سيد عبدالرسول حسيني مقدم



از تبار علی
سماحه جامع سرداران و هزار شهید استان بوشهر

نام پدر	سیدعباس
تاریخ تولد	۱۳۴۹/۰۴/۰۴
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۷/۰۴/۰۴
محل شهادت	جزیره مجنون
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	—
تحصیلات	دوره راهنمایی
مدفن	سریست

زندگینامه

زندگینامه شهید

زندگینامه بسیجی شهید سید عباس حسینی مقدم

سید عباس حسینی مقدم فرزند مرتضی در سال ۱۳۱۹ در روستای سربست از توابع دشتستان در خانواده ای مذهبی و از سادات جلیل القدر دیده به جهان گشود قرآن را در مکتب خانه پدرش فرا گرفت دوران تحصیل را به علت فقر مالی تا پایان ابتدایی گذراند و در ادامه به جهت کمک به پدر در کار کشاورزی مشغول شد و مدتی هم در مرکز بهداشت (بهداری سابق) برازجان به خدمت مشغول بود نسبت به کارش بسیار دقیق و حساس بودند. با توجه به جو مذهبی حاکم بر خانواده تمام صبحها بعد از ادای فریضه ی نماز به تلاوت آیاتی از قرآن مجید می پرداخت در ماههای محرم، رمضان مجالس روضه خوانی و قرائت قرآن (مقابله) داشت

در ایام تظاهرات بر علیه رژیم پهلوی به روشنگری و آگاه نمودن مردم می پرداخت و در راهپیمائیه در مرکز شهر (برازجان) شرکت می نمود با توجه به هوش و ذکاوت وی و سواد پایین او در زمینه های مختلف مذهبی و اسلام شناسی مطالعه داشتند، ایشان بعد از پیروزی انقلاب به خدمت در نهاد مقدس آموزش و پرورش در آمدند و تا زمان شهادت در این قسمت به کار مشغول بودند که همیشه یاد و خاطرات او در ذهنها باقی است و به خاطر حساسیت زیاد نسبت به کارش چندین لوح تقدیر و تشویق نامه از مقامات بالا دریاف کردند شهیدفردی بسیار امانت دار و حافظ بیت المال بودند و به خاطر داشتن همین خصلت جز اولین شورای اسلامی روستا به عنوان منتخب مردم در آمدند و از جمله خدمت شایان ایشان گرفتن مجوز آب آشامیدنی برای محل با توجه به بن بست بود روستا می باشد که تلاش او در این زمینه قابل تقدیر است در جمع آوری وسایل مورد نیاز جبهه همیشه پیش قدم بود. شهید در کودکی مادر خود را از دست داد و با تحمل رنج بی مادری از او فردی مقاوم ساخت و همین عامل باعث شد که به یتیمان بیش از اندازه رسیدگی می کرد و بارها از آنان سرکشی می کرد. خصوصیات شهید برگرفته از صفات و خوبیهای ابوالفضل عباس برادر امام حسین (ع) بود و چه با مسما این نام برای سید عباس حسینی مقدم انتخاب شده بود زیرا زمانیکه همراه برادرش سید ابراهیم عازم جبهه عملیاتی حاج عمران شدند زمانیکه برادرش ترکش می خورد وی بر بالینش می رسد هرچه اسرار می کند که تو خودت را نجات بده ولی سید عباس قبول نمی کند در حالی که برادر

مجروحش را بر دوش داشته با ترکش خمپاره های دشمن بعضی به شهادت نائل می شود. یادش گرامی راهش پرر هو باد

خاطرات

ویژگیهای شهید از زبان همسرش

دختر عمو و پسر عمو بودیم و در دوران کودکی با هم دیگر همبازی بودیم و از همان دوران خردسالی یکدیگر را دوست داشتیم فرد مؤمن و متدین بود تا موقعی که با بودیم از هم ناراحت نشدیم رفتار و اخلاق خوبی داشت حدود یک با هم ازدواج کرده بودیم که به جبهه رفت در خانه خیلی مهربان بود و از وقتی که پدرش به شهادت رسیده بود مسئولیت خانواده خود و پدرش به عهده او بود همیشه در فکر بود که چگونه تربیت برادران و خواهرانش را به عهده بگیرد که آنان فردی مفید برای خود و جامعه باشند. با اینکه زندگی مستقلی داشتیم ولی در طول یک سال با مادرش و برادران و خواهرانش در سر یک سفره غذا می خوردیم به پدر و مادر من هم خیلی احترام می گذاشت و چون در یک محل زندگی می کردیم روزانه از آنان سرکشی می کرد. صله رحم را زیاد به جا می آورد به همسایگان سرکشی می کرد از خانواده معظم شیدا دیدن می کرد و از نزدیک با مسائل و مشکلات آنان آشنا می شد رابطه اش با افراد بسیار صمیمی بود به همه عشق می ورزید به مطالعه علاقه داشت پایبند به اصول و مقید به اخلاق اسلامی بود. از لحاظ اقتصادی ما را در رفاه قرار می داد او کارگری می کرد تا به ما و خانواده پدرش تنگی رخ ندهد.

در زمان پیروزی انقلاب اسلامی او سن و سالش کم بود و با همین کمی سن در راهپیمائیهما شرکت می کرد اما زمانیکه به سن جوانی رسید داوطلبانه عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل گردید و چندین بار از طرف بسیج به جبهه ها شتافت تا اینکه در جزایر مجنون هنگام تک دشمن بعثی مفقود گردید و تا کنون هیچ اطلاعی از او نداریم، زمانیکه دوستانش از جبهه برگشتند و او همراه آنان نبود زمان بسیار تلخی برای ما بود. همه ما انتظار آمدن او را می کشیدیم تنها فرزند

ما که حاصل زندگی مشترک ما بود بعد از اینکه او مفقود شده بود به دنیا آمد.

از مسئولین می خواهم که با زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا انقلاب و کشور را بیمه کنند.

.....

ویژگیهای شهید از زبان برادران و خواهرانش

او فردی شوخ طبع ولی در عین حال با وقار و متین بود در رفتار با سایرین بسیار محترمانه برخورد می کرد در رفتارش بسیار معتدل و منطقی بود زمانیکه پدر ما به شهادت رسید چون ایشان فرد بزرگ خانواده بود روش و رفتار او به گونه ای بود که جنبه واقعی یک پدر دلسوز و مهربان را داشت ایشان جای پدر را برای پر کرده بود و ما کمبود او را احساس نمی کردیم در باب مشکلات بسیار صبور بودند نمازش را به جماعت در مسجد به عمل می آورد به قرآن و ادعیه ها عشق می ورزید علاقه خاص به ائمه اطهار داشتند و در کارها همیشه به آنان توسل می جست چون ایشان از کودکی از سایه پر مهر پدر محروم بودند لذا نسبت به یتیمان بسیار مهربان بودند با توجه باینکه پدرش به شهادت رسیده بود و مسئولیت سنگین خانواده به او رسیده بود موفق به ادامه تحصیل نشد علاقه وافر به جبهه و شهادت داشت برای اولین بار در سن شانزده سالگی به جبهه رفت هنگام رفتن همه را به صبر و شکیبایی دعوت کرد ولی خود خیلی خوشحال بود. برای بار اول در حوزه های دشتستان به علت کمی سن نپذیرفتند ولی ایشان از طریق سپاه ناحیه بوشهر به جبهه اعزام شدند.

.....

ویژگیهای شهید از زبان فرزند شهید

تنها فرزند شهید چهار ماه پس از مفقود شدن پدرش به دنیا آمده است اسم او را عباس گذاشتند پدرم آنگونه که من شنیده ام فردی متواضع و متین بوده و در گفتار و رفتارش صادق بوده است آنطور که برای من گفته اند فرائض را به موقع انجام می داده است آنجا که من اطلاع دارم پدرم مراسم روضه خوانی داشته است . او آرزو داشته که من فردی شایسته برای اجتماع باشم و مادرم بتواند مرا فردی مؤدب و درس خوان بار بیاورد تا بتوانم فردی مفید برای جامعه خود باشم . او سفارش کرده که تنها فرزندم باید فردی متین با کسانی معاشرت کند که مذهبی و متین باشند از وصایای او این است من ادامه دهنده راهش باشم و پشتیبان ولایت فقیه باشم به درس و مدرسه بیشتر توجه نمایم و در انجام فرائض دینی پیش قدم باشم در پایان انتظار داریم همواره پیرو رهبری و زنده نگهداشتن یاد و خاطرات شهدا داشته باشند .

.....

ویژگیهای شهید در محل کار

ایشان در محل کار بسیار متواضع بودند از کاری بیهوده دوری می جست فردی منظم در محل کارش بودند همه دوست داشتند که با او هم صحبت شوند در حفظ بیت المال می کوشید و دیگران را هم توصیه به امانت داری و بودن ناضری که مداوم نظارت بر کار می کند و کسی جز خداوند عالم نیست که در هر حال ناظر کارهای ماست .

.....

خاطره ای از مادر شهید سید رسول حسینی مقدم

شب عروسی او از صدای تلاوت قرآنی از خواب بیدار شدم دیدم شهید در شب عروسی قرآن را باز کرده و با صدای بلند قرآن را تلاوت می کند .



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران